

بررسی تفسیری «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»

* صدیقه نکویی
** محمدهادی امین ناجی
*** محمدجواد سعدی

چکیده

برای گناهان سه نوع مجازات برشمرده‌اند: مجازات قراردادی، مجازاتی که با گناه رابطه تکوینی و طبیعی دارد و مجازاتی که تجسم خود جرم است و چیزی جدای از آن نیست. تفسیر آیه ۴۱ روم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ يَمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» بیانگر آثار تکوینی و دنیوی گناهان است. واژه فساد یکی از واژه‌های معادل گناه است. افزون بر اینکه گناه خود، فساد به معنای خروج از اعتدال است، نتیجه آن تباهی خشکی و دریا است و موجی که رفتار نامناسب انسان در هستی ایجاد می‌کند تا ابد در جریان است و بدی اعمال انسان، در آخرت که محل بروز و ظهور حقایق است، آشکارتر می‌گردد. مجازاتی که با گناه رابطه تکوینی و طبیعی دارد در دنیا آثار وضعی گناه و مکافات دنیوی آن است و در آخرت باطن خود عمل است که ظاهر می‌گردد.

واژگان کلیدی

آیه ۴۱ روم، ظهور فساد، آثار تکوینی گناه، حقیقت گناه، اثر پروانه‌ای.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه پیام نور تهران. (نویسنده مسئول)

nekoee_s@yahoo.com

ma_najee@pnu.ac.ir

m_sadi@pnu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۶

** استادیار دانشگاه پیام نور تهران.

*** استادیار دانشگاه پیام نور تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۷

طرح مسئله

گناه و آثار تکوینی آن موضوعی است که همواره مورد توجه بوده است. در همین باره در طول تاریخ تفسیر قرآن کریم آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم / ۴۱) مورد توجه مفسران قرار داشته است. این آیه از جهات مختلف مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌ویژه این نکته که آیا فساد مذکور در آیه، خود گناهان صادرشده از بشر است، یا تباهی‌هایی است که بر اثر گناهان به‌صورت تکوینی در جهان صورت می‌بندد؟ به بیانی دیگر، آیا مراد از عبارت «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» خود گناهان است، یا نتیجه اعمال و تباهی‌های ناشی از آن؟

این مقاله برآن است تا پاسخ‌های مفسران به این سؤال‌ها را جمع‌بندی و تحلیل نماید. در حقیقت هدف مقاله روشن کردن منظور آیه و معنای تکوینی بودن آثار زیانبار گناه است.

به‌طور کلی گناه در اصطلاح شرع هر عملی است که مایه هتک حرمت عبادیت باشد و نسبت به مولویت مولا مخالفت شمرده شود. (ابن فراس، بی تا: ۲ / ۵۳) به واقع در زمینه دینی، این نافرمانی مربوط به عدول از خواسته‌های خداوند توسط بندگان است که مهم‌ترین عامل هلاکت و شقاوت و ورود به دوزخ محسوب می‌شود. کلمات مترادف گناه در متون دینی اثم، سیئه، معصیت، ظلم، عدوان، طعوا و امثال آن است که هر کدام به یکی از خصوصیات گناه اشاره دارد. خود کلمه فساد نیز یکی از لغات گناه است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا: هر کس، شخصی را بدون [ارتکاب قتل] کسی یا فسادی در زمین بکشد، پس گویا همه مردم را کشته است» (مائده / ۳۲) تعبیر به فساد در مورد گناه، به خروج از اعتدال بودن ماهیت گناه اشاره دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶)

در باب معنای فساد در آیه ۴۱ سوره روم تفاسیر مختلفی در دست است. از نظر نحاس، آیه را بنا بر اینکه فساد، خود گناهان مراد باشد یا نتیجه گناهان، به دو صورت می‌توان معنا کرد: در صورت اول معنای آیه این است: گناهان در بر و بحر ظاهر شده که انسان خودش آن را مرتکب شده است: «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ». نتیجه آن خواهد بود که انسان نتیجه بد برخی از اعمالش را خواهد چشید: «لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا». در این صورت «ما کسبت ایدی الناس» خود گناهان خواهد بود.

در صورت دوم معنا چنین می‌شود: فساد و تباهی در خشکی و دریا به‌خاطر اعمال بد انسان ظاهر شد (مانند نباریدن باران و گرانی قیمت‌ها که بنا بر احادیث نتیجه گناهان مردم است). این بدان خاطر است که خداوند می‌خواست انسان جزای برخی از اعمال بدش را در همین عالم ببیند.

در این صورت در آیه حذف خواهد بود؛ یعنی آیه را بدون حذف می‌توان چنین در نظر گرفت: «ظَهَرَتِ الْمَعَاصِي فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ فَحَبَسَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْغَيْثَ وَأَعْلَىٰ سَعْرَهُمْ لِيَذِيقَهُمْ عِقَابَ بَعْضِ مَا عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.» بدین ترتیب «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» عبارت از فسادی است که به‌خاطر گناهان مردم در بر و بحر حادث شده است. این معنا به نتیجه اعمال بد انسان اشاره دارد. (نحاس، ۱۴۲۱: ۳ / ۱۸۷)

شوکانی در فتح‌التقدیر معتقد است: آیه مورد بحث درصدد است که بیان کند فساد موجود در عالم با شرک و معاصی مرتبط است. از نظر او مواردی که مفسرین گذشته در تخصیص فساد به موارد تاریخی خاص گفته‌اند بی‌مورد و حد اکثر بیان مصداق کامل است و آیه با عمومیتش شامل جنس فساد است، هر کجا رخ دهد. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۲۶۳)

از نظر شوکانی تباهی‌ها و بلایایی که برای بشر رخ می‌دهد دو نوع است اول: نتیجه مستقیم اعمال خود آنان است (مانند قحطی در پی جنگ‌ها) دوم: بلایی است که خداوند در اثر اعمال ناشایست انسان بر او نازل می‌کند (مانند نیاریدن باران و خشکسالی به سبب ظلم) (همان) بنا بر این از نظر شوکانی فساد مذکور در آیه نتیجه گناهان انسان‌ها است و «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» نیز اشاره به همان فساد است.

چنان‌که حویزی در ذیل آیه نقل می‌کند، در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که این آیه مربوط به زمانی است که گناهان فراوان شده باشد. برای نمونه، زندگی موجودات دریایی وابسته به باران است، اما چون باران قطع شود، فساد در دریا و خشکی ظاهر می‌شود و این زمانی است که گناهان و معاصی زیاد شوند. (حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۹۱) همچنین وی از امام صادق علیه السلام در بیان مصداقی از این آیه روایت می‌کند که آیه مربوط به جریان تاریخی «سقیفه» است که در آن مهاجر و انصار به‌جای قبول امارت حضرت علی علیه السلام، هر یک به دنبال ریاست بودند و در نتیجه خلافت از مسیرش خارج شد و مفساد بسیاری در پی آمد. (همان)

از نظر سیدمحمدحسین طباطبایی، آیه به وجود رابطه مستقیم بین اعمال مردم و حوادث عالم اشاره دارد. ظاهر این آیه عام است و مخصوص یک زمان یا یک مکان و یا یک واقعه نیست. در نتیجه مراد از «بَرِّ و بَحْرِ» همان معنای معروف است که شامل همه روی زمین می‌شود، نه اینکه بخش خاصی از زمین یا دریا مراد باشد. مراد از فساد در زمین هر بلایی است که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را برهم می‌زند؛ چه مستقیماً مستند به اختیار برخی از مردم باشد و یا نباشد؛ زیرا همه آنها فسادی است که در دریا و خشکی عالم پدید می‌آید و خوشی و طیب عیش انسان‌ها را از

بین می‌برد. از نظر ایشان مراد آیه، مصایب و بلاهایی عمومی است که هر بار یکی از مناطق را در بر می‌گیرد و مردم را نابود می‌کند؛ مانند زلزله، نیامدن باران، قحطی، مرض‌های مسری، جنگ‌ها، غارت‌ها و سلب امنیت. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۹۷ - ۱۹۶) از نظر علامه عبارت «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» اشاره به این حقیقت است که فساد ظاهر در زمین بر اثر اعمال مردم است؛ یعنی به‌خاطر شرکی که می‌ورزند و گناهایی که انجام می‌دهند. (همان)

ایشان در تفسیر آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ: و اگر [بر فرض] اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و خودنگهداری می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم» (اعراف / ۹۶) و نیز در مباحث نبوت، رابطه مستقیم بین اعمال مردم و حوادث عالم را اثبات می‌کند و بیان می‌دارد که حوادث عالم متأثر از صلاح و فساد اعمال مردم است.

طباطبایی در تفسیر ادامه آیه می‌گوید: لام در «لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا»، لام غایت است و آیه چنین معنا می‌دهد: آنچه در زمین ظاهر شد، به‌خاطر این بود که خدا کیفر پاره‌ای از اعمالشان را به ایشان بچشاند، بلکه برای این بود که خودِ اعمالشان را بدانها بچشاند که به‌صورت وبال به‌سویشان باز می‌گشت.

عبارت «بعض اعمالهم» (= بعضی از اعمالشان) بدین معناست که خدا از بیشتر اعمال بد آنان صرف‌نظر کرد؛ همچنان که فرمود: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ: و هر مصیبتی به شما رسد، پس به‌خاطر دستاورد شماست، و بسیاری [از خطاهای شما] را می‌بخشد.» (شوری / ۳۰) بنابراین از نظر ایشان آیه شریفه ناظر است به وبال دنیوی گناهان و چشاندن وبال برخی از آنها، نه همه آنها. اما آیه درباره عذاب و وبال اخروی گناهان سخنی نگفته است. همچنین «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» معنایش این است که خداوند می‌چشاند به آنان آنچه را می‌چشاند؛ برای اینکه شاید از شرک و گناهانشان دست برداشته، به‌سوی توحید و اطاعت بازگردند. (طباطبایی، همان: ۱۹۷)

از نظر بانو امین، فساد در بر و بحر تمام بلایایی است که انسان در طول زندگی با آن روبه‌رو می‌شود. تمام این بلایا مستند به اعمال زشت و گناهان خود بشر است؛ چراکه در ادامه می‌فرماید: «لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا» تا بفهمند که اثر اعمال بد - به‌خصوص ظلم و تعدی نسبت به بندگان خدا - گرفتار شدن به بلیات دنیوی خواهد بود. (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۰ / ۱۱۰)

از نظر مؤلف تفسیر بیان السعادة، فساد در «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»، ضد صلاح است. صلاح

در هر چیزی به این معناست که آن چیز طبق مقتضای طبیعتش باشد، اما فساد هنگامی است که آن چیز از مقتضای طبیعتش خارج باشد. گاهی نیز فساد در اخذ مالی به صورت ظلم استعمال می‌شود و در مورد خشکسالی نیز به کار می‌رود. (کتابادی، ۱۴۰۸: ۳ / ۲۲۳)

به نظر ایشان مقصود از «ظهر الفساد»، کثرت و زیادی فساد است؛ به گونه‌ای که نمی‌تواند مخفی باشد و آن زمانی است که فساد بر صلاح یا بر عدل و یا بر فراوانی نعمت غالب باشد. «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» نشان می‌دهد فساد در زمین جز به سبب شوم بودن اعمال مردم نیست؛ اعم از آنکه مقصود از فساد، خروج اشیا از مجرای طبیعی باشد یا مقصود خصوص ظلم و خشکسالی باشد. در هر حال این قبیل بلاها جزای برخی از اعمال آنان است. (همان) در ادامه نیز وی دو حدیث در مورد آیه نقل می‌کند که در واقع بیان مصداق فساد در عالم است: امام صادق علیه السلام فرمود: «زندگی حیوانات دریایی به وسیله باران است. هرگاه باران بایستد، فساد در خشکی و دریا ظاهر می‌شود و آن هنگامی است که گناهان و معاصی زیاد شود.» امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «به خدا سوگند! این همان وقتی است که انصار گفتند از ما امیری باشد و از شما امیری.» (همان؛ نیز بنگرید به: قمی، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۶۰؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۹۰)

بنابراین از نظر ایشان خداوند طبیعت را نیکو آفریده و ساخت آن را استحکام بخشیده و اگر هم فساد هست، به سبب اعمال مردم است. در واقع سبب زشت‌کاری نوع بشر - که در آیه مذکور به آن اشاره شده - دور شدن او از سرچشمه توحید است و نزدیک شدن او به شرک.

در جمع‌بندی مطالب گذشته باید گفت عمده مفسران «فساد» مذکور در آیه را نتیجه گناهان انسان دانسته‌اند که همان «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» است. به‌طور کلی روش قرآن این است که پدیده‌های طبیعی را به علل و اسباب مشهور و همچنین به اسباب غیبی و الهی آن ارتباط می‌دهد. مثلاً ظلم سبب بدبختی ظالم می‌شود (با قیام مظلوم بر ضد ظالم) و یا باعث نزول عذاب بر او می‌گردد (به طریقه غیبی و ملکوتی مثل بیماری‌ها و دیگر حوادث طبیعی)؛ زیرا خداست که ملکوت آسمان‌ها و زمین به دست اوست و برای ظالم عذاب یا بدبختی مقرر کرده است. بنابراین در نظام علت و معلول، کنش‌های نیک و بد آدمی در تعیین نیک‌بختی و نگون‌ساری انسان در همین دنیا مؤثر است و بازگشت نتایج اعمال انسان به وی، به سرای آخرت اختصاص ندارد.

اصولاً مجازات گناهان بر سه گونه است:

۱. مجازات قراردادی (برای تنبیه و عبرت)؛

۲. مجازاتی که با گناه رابطه تکوینی و طبیعی دارد (آثار وضعی گناه و مکافات دنیوی)؛

۳. مجازاتی که تجسم خود جرم است و چیزی جدای از آن نیست (عذاب اخروی). (بنگرید به: شیرازی ۱۳۶۱: ۴ / ۲۸۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۵۸: ۲ / ۸۷۹ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۷ / ۲۲۸)

نوع اول مجازات همان کیفرها و مقررات جزایی است که در جوامع بشری به وسیله قانون گذاری الهی یا غیرالهی وضع گردیده است. فایده این گونه مجازات ها دو چیز است: یکی جلوگیری از تکرار جرم (توسط خود مجرم یا دیگران) و دیگری تشفی و تسلی خاطر ستم دیده (در مواردی که گناه از نوع جنایت و تجاوز به دیگران باشد).

نوع دوم، کیفرهایی است که با جرم رابطه علی و معلولی دارند؛ یعنی کیفر معلول جرم و نتیجه طبیعی آن است. در نظام علی و معلولی جهان، هر چیزی موقعیت خاصی دارد و ممکن نیست علت واقعی، معلول واقعی را به دنبال خود نیاورد. این کیفرها در دنیا به دو صورت «اثر وضعی گناه» و «مکافات عمل» ظاهر می شود. اثر وضعی و ذاتی نوشیدن سم خطرناک، مردن است و مردن معلول این علت است. منظور از اثر وضعی، همان اثر ذاتی است که با جرم و گناه پیوند ناگسستنی دارد و از آن جدا نمی گردد.

بسیاری از گناهان آثار وضعی ناگواری در همین جهان برای گناهکار در پی دارد. مثلاً شرابخواری افزون بر زیان های اجتماعی، صدمات زیادی بر روان و جسم شرابخوار وارد می سازد. هرچند دنیا محل کشت، و آخرت نیز فصل درو است، گاهی برخی از اعمال در همین دنیا نتایج خود را نشان می دهد که همان مکافات عمل است. این دریافت ثمره عمل و درو کردن کشته، نوعی جزای الهی است، هرچند جزای کامل نیست؛ زیرا محاسبه دقیق و مجازات کامل در آخرت انجام می گیرد. دنیا خانه عمل است و احیاناً جزا نیز در آنجا داده می شود، ولی آخرت به طور کلی خانه جزا و حساب است.

نوع سوم از مجازات، مجازات های اخروی است که با گناهان رابطه تکوینی دارند. رابطه عمل و جزا در آخرت نه مانند نوع اول قراردادی است و نه مانند نوع دوم از نوع رابطه علت و معلول است، بلکه از آن نیز یک درجه بالاتر است. در آنجا رابطه عینیت و اتحاد حکم فرماست؛ یعنی آنچه در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می شود، تجسم خود عمل آنهاست. به بیانی دیگر، آنچه به آدمی در آن جهان می رسد - چه نعمت های بهشتی و چه عذاب دوزخی - همان چیزهایی است که آدمی خودش آماده و مهیا ساخته است. مجازات آخرت، تجسم یافتن عمل است. نعمت و عذاب آنجا همین اعمال نیک و بد است که وقتی پرده کنار رود تجسم می یابد. برای مثال، خوردن مال یتیم به صورت غذایی از آتش درمی آید. (نساء / ۱۰)

در این مقاله مسئله مورد بحث، نوع دوم است؛ یعنی کارهایی که مربوط به مخلوق خداست، خواه

نیکی و احسان باشد یا بدی و آزار، غالباً در همین دنیا پاداش یا کیفر دارد، بی‌آنکه چیزی از جزای اخروی آنها کم گردد. مولوی در مورد عمل و عکس‌العمل می‌گوید:

این جهان کوه است و فعل ما ندا باز آید سوی ما از گه صدا
(مثنوی، دفتر اول فرستادن پادشاه رسولان به سمرقند)

برای مثال بدی کردن به پدر و مادر، در همین جهان کیفر دارد. حتی اگر پدر و مادر کافر یا فاسق هم باشند، باز هم بد کردن به آنها بدون عکس‌العمل نمی‌ماند. منتصر عباسی پدرش متوکل را که از پلیدترین خلفای عباسی بود کشت، ولی پس از مدت کوتاهی خود نیز کشته شد. متوکل در مجالس عیش خود علی‌رضی را مسخره می‌کرد و دلک‌های او نیز علی‌رضی را به مسخره می‌گرفتند. زمانی که منتصر شنید پدرش حضرت فاطمه‌رضی را دشنام می‌دهد، از بزرگی پرسید مجازاتش چیست؟ او گفت: قتلش واجب است، ولی بدان هر کس پدرش را بکشد، عمرش کوتاه خواهد شد. منتصر گفت: «من باکی ندارم در راه اطاعت خداوند عمرم کوتاه گردد.» از این‌رو پدرش را کشت و پس از وی، هفت ماه بیشتر زنده نماند. (مستدرک سفینه البحار، ماده «وکل»)

امروزه به‌خوبی روشن است که فساد در دریا و خشکی به‌سبب حرص و زیاده‌خواهی بشر گسترده شده است. آمریکایی‌ها ۱/۵ میلیارد کیلو در روز زباله تولید می‌کنند و این سبب ویرانی محیط زیست می‌شود که اگر مانع آن نشوند، فاجعه به بار خواهد آورد. سوراخ شدن لایه اوزون از دیگر نتایج سوء اسراف‌کاری‌های بشر است. محققان در باب آلودگی محیط آمریکا گفته‌اند: ۱۰۰ میلیارد دلار و پنجاه سال وقت لازم است تا بتوان مواد سمی را از ایالات متحده آمریکا پاک کرد. (به نقل از: تفسیر هدایت، ۱۳۷۷: ۱۰ / ۶۷) در روایتی معتبر از امام محمد باقر‌رضی آمده است:

هرگز در یک سال باران کمتر از سال دیگر نیست، ولی خدا آن را به هر جای که بخواهد، می‌فرستد. هنگامی که قومی گرفتار معاصی شوند، خداوند جیره باران آنها را در آن سال به جای دیگر می‌فرستد، حتی به دریاها و بیابان‌ها و کوه‌ها. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۳ / ۳۷۲)

رسول خداﷺ فرمود:

زمانی که زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی هم زیاد می‌شود، و اگر کم‌فروشی رواج یابد، مردم به قحطی دچار شوند، و اگر زکات ندهند، زمین نیز برکت خود را دریغ می‌دارد، چه از مزارع و چه از معادن، و چون یار ظالم و تجاوزگر باشند،

به حکام ظالم گرفتار آیند، و اگر پیمان شکنی کنند، خدا دشمنشان را بر آنها مسلط می نماید، و اگر قطع رحم کنند، اموالشان به دست اشرار افتد، و اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از اهل بیت نیکان من پیروی نمایند، خداوند بدترین آنها را بر آنها مسلط خواهد ساخت. پس در این حال دعای نیکانشان هم مستجاب نخواهد شد. (همان: ۳۷۳)

از امام علی علیه السلام روایت شده است:

سه گناه است که عقوبت آن پیش از آنکه آخرت برسد، گریبانگیر صاحبش می شود: نافرمانی پدر و مادر، ستم بر مردم و کفران احسان. (همان: ۳۷۴)

از امام صادق علیه السلام نقل است: از گناهایی که نعمت را دگرگون می کنند، ستم و تجاوز بر مردم است. از گناهایی که سبب پشیمانی می شوند، قتل است. گناهی که خشم خدا را سبب می شود، ظلم است. گناهی که پرده عفت را می برد، شرابخواری است. گناهی که روزی را حبس می کند، زناست. گناهی که به فنا می انجامد، قطع رحم است و گناهی که نمی گذارد دعا مستجاب شود، نافرمانی پدر و مادر است. (همان: ۳۷۳)

در روایتی آمده است: «حتی پای به سنگ برآمدن و لغزش قدم و یا خراش از چوبی هم که باشد، همه بر اثر معصیت است.» (همان: ۳۷۴)

چه بسا علم تجربی هنوز رابطه بین زنا و مرگ ناگهانی (سکته)، یا رابطه بین کم فروشی و فقر، یا رابطه بین معصیت کردن و قطع باران را کشف نکرده باشد، اما تردیدی نیست که طاعت یا معصیت در محیط اطراف مؤثر است و قرآن بارها در بیان آثار کفر و فساد اقوام گذشته بر آن تأکید کرده است. آثار گناه یا ثواب بر اثر علل ملکوتی می تواند حتی در چندین نسل بعد آشکار شود. آیه «وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا» (کهف / ۸۲) درباره داستان آن دو یتیمی است که حضرت خضر، دیوارشان را از فرو ریختن نگاه داشت. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «میان آن دو و پدر صالحشان هفت پدر فاصله بود.» (حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۹۱) در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام روایت شده: «خداوند فرزند مؤمن را تا هزار سال حفظ می کند. میان آن دو پسر و پدرشان [در داستان خضر و موسی] هفتصد سال فاصله بود.» (همان: ۱۹۱)

امروزه برخی فیریک دانان از مؤثر بودن کوچک ترین اعمال انسان در طبیعت سخن گفته اند؛ به این معنا که با ایجاد تغییرات جزئی در پارامتر، رفتار سیستم کاملاً تغییر می کند. به چنین رفتاری «وابستگی

حساس به شرایط اولیه» یا «اثر پروانه‌ای» می‌گویند. اصطلاح «اثر پروانه‌ای» به ادوارد نورتون لورنز (Edward Norton Lorenz) منتسب است. وی ریاضی‌دان، هواشناس و یکی از نخستین طرفداران نظریه آشوب بود. (بنگرید به: scholarpedia.org؛ ویکیپدیا، ذیل عنوان «اثر پروانه‌ای»)

«اثر پروانه‌ای» اصطلاحی است در نظریه آشوب که توضیح می‌دهد چگونه دگرگونی‌های کوچک می‌تواند بر سیستم‌های عظیم و پیچیده (همچون الگوهای آب و هوایی) مؤثر باشد. این اصطلاح بدین سبب مطرح شد که نشان دهد حتی حرکت جزئی بال‌های یک پروانه ممکن است بتواند موجب دگرگونی‌های قابل توجه در قدرت باد و جریانات سیستم‌های آب و هوایی سراسر دنیا شود و از لحاظ نظری در نیمی از جهان، طوفان به پا کند. طبق نظریه آشوب، در تمامی پدیده‌ها نقاطی وجود دارند که تغییری اندک در آنها باعث تغییرات عظیم خواهد شد. در این خصوص سیستم‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سازمانی همچون سیستم‌های جوی، از اثر پروانه‌ای برخوردارند و تحلیلگران باید با آگاهی از این نکته مهم به تحلیل و تنظیم مسائل مربوط به آن بپردازند.

به نظر می‌رسد طبق نظریه اثر پروانه‌ای، پیش‌بینی یک سیستم بزرگ در حقیقت ناممکن است، مگر با در نظر گرفتن تمام عوامل جزئی که ممکن است کوچک‌ترین تأثیری بر سیستم داشته باشند. همچنین طبق این نظریه، دستکاری مسائل کوچک و جزئی در گذشته، می‌تواند آینده را به طرز ناگوار دگرگون کند. بدون شک می‌توان در رفتار انسانی مشاهده کرد که چگونه تغییرات کوچک می‌توانند به‌گونه‌ای غیرمنتظره، عملکرد یک سیستم پیچیده دیگر را تحت تأثیر قرار دهند. کارها و تجربیات کوچکی که در ضمیر ناخودآگاه ذخیره می‌شوند، می‌توانند به‌شکلی باورنکردنی بر رفتار فرد اثرگذار باشند. پژوهشگران انسیتیوی «ولف سان» معتقدند اختلالی کوچک در یکی از مدارهای مغزی دارای تأثیر پروانه‌ای بر کل مغز است و در نهایت نیز طی روندی بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود، تا اینکه در پایان به یک محاسبه و اشتباه بزرگ می‌انجامد. (همان) برای نمونه می‌توان به خودکشی نوجوانانی اشاره کرد که سابقه افسردگی ندارند. نزدیکان این نوجوانان اغلب با این پرسش روبه‌رویند که چه عوامل کوچکی موجب خودکشی آنها شده است؟ بنابراین تا آنجا که به رفتار انسانی مربوط می‌شود، مطابق نظریه اثر پروانه‌ای، کوچک‌ترین اعمال فرد می‌تواند نتایج مثبت یا منفی (حتی بزرگ) به‌دنبال داشته باشد.

نتیجه

اعمال انسان دارای سه نوع پیامد است: تشریحی - دنیوی، تکوینی - دنیوی، و تکوینی - اخروی. نوع

دوم خود به «آثار وضعی» و «مکافات عمل» تقسیم می‌گردد. آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...» بیانگر آثار تکوینی - دنیوی گناهان است. جمع‌بندی تفاسیر درباره این آیه آن است که علاوه بر اینکه گناه خود، فساد به معنای خروج از اعتدال است، نتیجه اعمال بد انسان و گناهان او تباهی خشکی و دریا بوده و هست. زمین، زمینه امتحان بشر است و کسانی که از این امتحان مردود شدند، هم جسم و روح خود را نابود کردند و هم زمین و دریا و جامعه بشری را به تباهی کشاندند. این تنها بخشی از آثار سوء رفتار انسان است و بخش دیگر آن در آخرت آشکار خواهد شد و چه بسا آثار اخروی آن بسی شدیدتر و پرمناهی‌تر باشد؛ زیرا موجهی که رفتار نامناسب انسان در هستی ایجاد می‌کند، تا ابد در جریان است و بدی اعمال انسان در آخرت که محل بروز و ظهور حقایق است، آشکارتر خواهد بود؛ چنان که در انتهای آیه تصریح شده است که قرار دادن آثار تکوینی - دنیوی برای گناهان توسط خداوند، خود رحمتی برای بشر بوده است تا از راه کج خود بازگردد و به پیامدهای اخروی گناهان - که بسی عظیم‌تر است - دچار نگردد. بنابراین بسیاری از سیستم‌های مورد نیاز بشر - از اتمسفر زمین گرفته تا فضای جامعه و ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه بشر - باید به نحوی طرح‌ریزی، پیش‌بینی، بازرسی و مراقبت شوند که با پیچیدگی خود و پیچیدگی ذات انسان مطابقت داشته باشند. در غیر این صورت، ممکن است مشخصه‌های اساسی وجود و اعتدال آنها از قلم بیفتند و با سوء رفتار انسان دچار فساد و تباهی شود. البته این برنامه‌ریزی و مراقبت فقط با عمل به دستورهای دینی امکان‌پذیر خواهد بود؛ چراکه درک کامل آثار بیرونی و ظاهری اعمال در حال و آینده، فقط برای خداوند ممکن است و برای بشر قابل‌پیش‌بینی نیست، چه رسد به درک آثار باطنی و ملکوتی اعمال.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن فراس مالکی، ابی‌الحسین، بی‌تا، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر؛ مجموعه ورام، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- امین اصفهانی، سیده نصرت بیگم، ۱۳۶۱، مخزن العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- حویزی، عبد‌علی ابن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۸ ق، تصحیح ابراهیم شمس‌الدین، معجم مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، فتح القدير، بیروت، دار الکلم الطیب.

- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۱، تفسیر القرآن الکریم، به اهتمام محمد خواجوی، قم، مطبوعات دینی.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۵۸، علم الیقین فی اصول الدین، قم، بیدار.
- قمی، علی ابن ابراهیم، ۱۳۸۷، تفسیر قمی، نجف اشرف، مطبعه نجف.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- مدرسی، محمدتقی، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مولوی، جلال الدین محمد، بی تا، مثنوی مولوی، تهران، طلوع.
- نحاس، ابوجعفر احمد بن علی، ۱۴۲۱ ق، اعراب القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- نمازی شاهرودی، علی، ۱۴۱۹ ق، مستدرک سفینه البحار، تصحیح و تحقیق حسن بن علی نمازی شاهرودی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- سایت scholarpedia.org.
- دانشنامه ویکی پدیا.

- Download the original attachment.

